

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا  
۲۵ اکتوبر ۲۰۱۹



## نفرکش آمد

یک شب سرد زمستانی بود  
دخمه ها سرد و هیولای سکوت  
بر سر هنگر هر قسمت زندان امشب  
شبح مرگ او ظاهر شد...  
یک صدا آمد از آن دور: نفرکش\* آمد  
قلبها در قفس سینه چو مرغی در بند  
دُگ دُگ و پرپر بی حاصل داشت  
چشمها خیره به هر سو نگران و خاموش  
هر نگه داشت سؤال  
باز امشب، کی را خواهد برد  
گوشها منتظر آوازی  
که کی را می خواهد!  
هرکسی پیش خودش در دل خود می گفت  
شاید نام مرا خواهد خواند  
چکمه های سنگین

روی دهلیز همان دخمه مرگ  
حامل دلهره در هنگر بود  
دم هر روزنه با صوت بلند  
نام را خوانده و می گفت: کالایته جم کو  
در دم روزنه هنگر ما آمد و با صوت کریه  
نامها را برخواند:  
حیدر و قاسم و اسحاق و غلام قصاب  
شاکر و عبدل نانوای و کریم زرگر  
فضل حق...وکمی مکث و به روسی پرسید  
(تی زناپش اونیفو سکولکه لیت؟)  
افسر روسی خرمست ز ودکا گفتش  
(یا زناپو دواتسات لیت)  
(نیچیفو, اون یست ریفیدونیست)  
ضابط نوکریوال نام فضل را خواند  
گفت اوچه جم کو کالایته  
آن خدا حافظی آخری و وصیت آن یارانم  
تا دم مرگ زیادم نرود  
شب سرما و زمستانی سرد  
همه را چون بردند  
هنگر ما همه خاموش و سکوت  
بر سر هریک ما بارش غم می بارید  
آن رفیقان رفتند  
لیک آن لحظه ز یادم نرود  
که یکی در دم در با فریاد  
که در آن جوش غضب غلیان داشت  
گفت یاران:  
ما که رفتیم و دگر باز نخواهیم آمد  
بعد ما جمله آزادی انسانی را  
هر کسی از در این دخمه مرگ آور دهر  
ره آزادی خود را یابد  
بر سر کوچه و بازار به خون بنویسید  
وبگوئید چسان، مارفتیم  
خم نکردیم به پای دشمن  
سر پر شور که آزادی تان را می خواست

به دیاری که از آنجا دیگر

ره بر گشتی نیست

\* "نفرکش" یک اصطلاح بود. آنانی که در زندان پل چرخی بودند می دانند که نیمه های شب می آمد و زندانیان را برای اعدام می برد.

"مختار دریا" ۲۱ اکتوبر ۲۰۱۹ کانادا